

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهمیم از آن به که کشور به دشمن دهمیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

موسوی

۱۰ می ۲۰۲۵

نکاتی چند در مورد درگیری های جاری بین هند و پاکستان

هرگاه به خاطر داشته باشید همکار عزیز ما آقای "طاهر باختری" چند روز قبل مطلبی را معنون به "چین: هند در مانده، یک بدعت بسیار خطرناک گذاشت" فرستاده بودند که با کمال تأسف بدون "افزوده و یا یادداشت" پورتال به تاریخ پنجم ماه می منتشر گردید. از دید من و تا جایی که مطالعاتم از مناسبات و درگیری های بین هند و پاکستان و اشکال مختلف آن اجازه می دهد، آن نوشته در چند مورد قابل تأمل می باشد. همان نکات من را واداشت تا نظرات خودم را در زمینه خدمت شما خوانندگان گرامی تقدیم بدارم، از قبل باید بنویسم که تذکر این نکات به هیچ وجه به مثابه ختم کلام نیست و خرسند خواهم شد هرگاه خوانندگان گرامی با ارائه نظرات شان و نقد طرز دید این قلم بر غنای نوشته بیفزایند.

۱- به مثابه پیش درآمد بحث باید بنویسم که حرکت "قطع آب" از جانب هند را یک بدعت نامیدن، چه از منظر قطع آب باشد چه از منظر زیر پای نمودن موافقتنامه سال ۱۹۶۴ بین آن دو کشور، به هیچ وجه درست نیست، چه اگر قرار باشد واقعاً دنبال بدعت گزاران باشیم اولتر از همه در خاور میانه چه برخورد داعش در قبال حرکت کردها و درکل خلقهای سوریه و عراق و چه هم اکنون دولت اسرائیل علیه خلق فلسطین به ویژه باشندگان تحت ستم غزه این عنوان را تصاحب می نمایند. چنین مطالبی هرگاه آگاهانه نگاشته شود چیزی به جز تحریف تاریخ و حتا کتمان جنایت معنا نمی دهد.

۲- با حرکت از این واقعیت که در هر دو کشور مورد نظر یعنی هند و پاکستان علی رغم ادعا های پرطمطراق و مصارف هنگفت در گویا مبارزات انتخاباتی رسیدن به حاکمیت دموکراسی به خصوص در هند "گسترده ترین دموکراسی؟؟؟" وجود دارد، حاکم اصلی هر دو کشور نیروهای مسلح آن کشور ها "فوج و اردو" که در رأس آن نهاد های اسخبارات نظامی شان قرار دارند، می باشد. یعنی به همان سان که در هند استخبارات آن کشور "راو" به ویژه شاخه نظامی آن در تعیین ستراتیژی اداره کشور در جمیع ابعاد دست بالا دارد و سیاستمداران حتا فردی در قد و قامت "مودی" نیز نمی تواند از حکم آنها سرپیچی نماید و برای حفظ چهره اعلام می دارد که مسئولیت پاسخدهی به حملات از جانب پاکستان را با اختیارات کامل به "ارتش" سپرده است، در پاکستان نیز "آی. اس. آی" یا "استخبارات نظامی" آن کشور بر تمام کشور حکومت می نماید.

با حرکت از این واقعیت ها، روشن است که هر نوع تشنج و یا عدم تشنج و روبوسی مقامات سیاسی بین دو کشور درواقع بازتاب تضادها و تقابل هائیکه بین "راو" و "آی. اس. آی" وجود دارد.

وقتی از "راو" و "آی. اس. آی." نام می‌بریم می‌باید چند نکته را در مورد آنها فراموش ننمائیم:

* - علی‌رغم ادعای استقلال از هر دو جانب، هر دو سازمان به علاوه روابط ساختاری و علایق سیاسی با "ام. آی. ۶" انگلستان، از لحاظ کادری وابستگی عمیقی به آن کشور دارند؛

* - "راو" ضمن حفظ ریشه هایش با "ام. آی. ۶"، گذشته از این از ۷۸ سال بدین سو با "ک. ج. ب." و جانشین آن "اف. اس. ب." روابط و همکاری نزدیک داشته و دارد، حد اقل از ۳۵ سال بدین سو دقیقتر از زمانی که غرب "اسلام ستیزی" را به مثابه ستراتیژی اش اعلام و انتخاب نمود، روابط بین "راو" و "موساد" و "سیا" و در کل استخبارات "پنج چشم" ابعاد و عمق بیشتر یافته است.

* - "آی. اس. آی." نیز ضمن حفظ روابط ساختاری با "ام. آی. ۶"، با استخبارات "چین" و نهاد های استخباراتی چندین کشور عربی به خصوص "المخابرات العامة" عربستان سعودی روابط تنگاتنگ دارد.

با درنظرداشت روابط نزدیک هر دو نهاد حاکم بر هند و پاکستان، و نقش آنها در اداره کشور های شان، به مشکل می‌توان پذیرفت که در این و یا آن حرکت آن دو کشور، کشور های حامی استخبارات آنها نقشی نداشته و ندارد.

۲) درگیری بین "راو" و "آی. اس. آی." حد اقل در سه سال اخیر بازتاب خود را در نکات آتی نشان داده است:

* - با وجود آن که "آی. اس. آی." خالق و رازق "طالب" و "طالبیسم" بود و ضمن بهره برداری های مادی و معنوی از آنها حتا پاکستان را مواجه با خطرات معینی نیز ساخت، تجربه سه سال گذشته نشان می‌دهد که دولت هند یا بهتر است نوشت "راو" با استفاده از ضعف نظام ملاسلار و نیاز آنها به جذب کمک های اقتصادی، عملاً از تضاد ستراتیژیک بین کشور افغانستان و کشور پاکستان در مورد مسائل "پشتونستان و بلوچستان" سود جسته، نظام ملاسلار یعنی نهالی را که دولت پاکستان غرض و با هزار خون دل پرورش داده بود، نه تنها خودش را به خود جذب نموده بلکه توسط شاخ و برگهای وابسته با آن از طالبان پاکستانی گرفته تا سازمانهای مسلح بلوچ را غیر مستقیم در خدمت خود قرار داده از همان طریق در تمام این مدت گذشته از که به "چینی کشی" در در ایالت بلوچستان آن کشور دست یازید، تقریباً دو ماه قبل با حمله بر یک پایگاه نظامی دولت پاکستان در آن ایالت بیش از ۳۵ سرباز و افسر پاکساتی را نیز به قتل رسانید؛

* - "آی. اس. آی." نیز کوتاه نیامده در پاسخ به این پیشروی "راو"، همه به خاطر داریم که از حرکت مردم بنگله دیش علیه حاکمیت دست نشانده هند، سود جسته آنها را به خود خود جذب نموده در پاسخ به حملات ایالت بلوچستان و کشتن چینی ها، نیز حمله اخیر را سازماندهی نمود.

۳) و اما این که کشورهای دیگر از روسیه و امریکا گرفته تا چین و اسرائیل نمی‌خواهند که درگیری بین هند و پاکستان آغاز و ادامه یابد، نیز قابل تأمل است زیرا:

* این که امریکا نمی‌خواهد بین این دو قدرت اتمی جنگ آغاز و ادامه یابد و نویسنده آن مقاله دلیل چنین طرز دیدی را اوضاع فعلی جهان و نیاز امریکا به انتقال سرمایه و تولید از چین به هند اعلام می‌دارد، با تأسف قسمی که گفته اند "درخت را می‌بیند و جنگل را نه". نویسنده چینی نمی‌خواهد ببیند که برای "ترمپ" زدن و نابودی نهادهای "شانگهای" و "بریکس" از چنان اولویتی برخوردار است که حاضر است برای آن هر هزینه ای را قبول نماید. چه جنگ بین هند و پاکستان، یعنی نابودی و تجزیه "بریکس" و سازمان همکاری های "شانگهای"، یعنی ممانعت از ایجاد پول و ارز بدیل برای دالر، یعنی استمرار جهان تک قطبی. به علاوه تخریب کامل پاکستان یعنی کوتاه ساختن دست و پای چین از بندر گوادر و خلیج فارس.

*- چینی ها هر چند می دانند که درگیری بین هند و پاکستان حتما اگر به تجزیه سازمان همکاری شانگهای و بریکس نینجامد، حداقل توان رقابتی آن را سخت تضعیف می نماید، مگر دو نکته در ادامه جنگ به خصوص اگر قابل کنترل باشد برای شان با اهمیت است. نخست مصروفیت جنگی هند مانع از آن می شود که هند بتواند سرمایه هایی که از ترس تعرفه های "ترمپ" قصد فرار از چین را دارند به هند جذب نماید و در نتیجه با ماندن آن سرمایه ها در چین، این کشور می تواند نقش تولیدی اش را در سطح جهان حفظ نماید در ثانی امکان تبلیغاتی که استفاده از سلاح های چینی برای آن کشور مساعد می سازد، از جمله نکاتیست که سرمایه داری دولتی چین را عاشق و شیفته ادامه جنگ می سازد. شاید بتوان بهترین سند و دلیل برای ادعای ما را در پراگراف آتی از قلم یک نویسنده چینی دیگر که همین امروز "نهم می" در پورتال "افغانستان آزاد- آزادافغانستان" معنون به "درگیری هند و پاکستان "جنگ روایت ها" است" اعلام داشت:

"با اثبات عملکرد تجهیزات چینی در میدان نبرد، سهام صنایع نظامی در روز ۸ می به روند صعودی خود ادامه داد. در این میان، سهام صنایع هوافضا پیشتانز بودند و سهام شرکت چنگو ایرکرفت (中航成飞) در معاملات بعد از ظهر با افزایش ۲۰ درصدی به سقف قیمت روزانه رسید. سهام شرکت های چی فنگ جینگگونگ (七丰精工) با افزایش ۳۰ درصدی، جینتونگ لینگ (金通灵)، تیانجیان تکنولوژی (天箭科技)، هوانگ تیان چانگفنگ (航天长峰)، لی جون گوفن (利君股份)، چنگو ایرکرفت اینتگریشن (成飞集成) و تونگدا گوفن (通达股份) نیز با افزایش ۲۰ درصدی به سقف قیمت روزانه رسیدند. علاوه بر این، سهام شرکت چنشی ایویشن (晨曦航空) بیش از ۱۰ درصد و سهام شرکت های لی دیان ویلی (雷电微力) و جیاچی تکنولوژی (佳驰科技) نیز افزایش قابل توجهی داشتند.

*- روسها که از همان آغاز آوردن هند به جمع سازمان همکاری شانگهای و بریکس مهمترین هدف شان مقابله با نفوذ روزافزون چین در آسیای مرکزی و امریکای لاتین بود، بی میل نیستند که این درگیری در حد قابل کنترل ادامه یابد تا از یک سو زمینه تضعیف چین را فراهم نماید و از جانب دیگر نقش خودشان را به مثابه میانجی برجسته ساخته به چینی ها تفهیم نمایند که بدون آنها نه نهاد شانگهای باقی خواهد ماند و نه بریکسی.

*- اسرائیل که همین حالا غزه و فلسطین را به حمام خون خلق فلسطین مبدل ساخته، بعد از آن که چند تن از رهبران اسلامی پاکستان به دفاع از خلق فلسطین حکم جهاد علیه دولت اسرائیل را اعلام داشتند، هر چند تا کنون حرکتی از جانب ارتش پاکستان یعنی یگانه قدرت اتومی بین کشور های اسلامی علیه خود ندیده اند، با آنهم کشور پاکستان را به مثابه دشمن بالقوه اسرائیل تشخیص و بی میل نیستند، تا آن کشور را با نیروی نظامی هند چنان به خاک و خون کشند که نه تنها دولت پاکستان نتواند کمکی به خلق فلسطین نماید، بلکه خودش اگر باقی بماند جبور باشد با مرگ دست و پنجه نرم کند.

*- دولت های هند و پاکستان، یعنی هم "مودی" و باندش و هم "شهباز شریف" و باندش هر دو جهت تضمین پیروزی شان در انتخابات آینده کشور های شان و زدن مخالفان داخلی، نیاز شدید بدان دارند تا با لباس ملی گرائی و دفاع از وطن در مقابل دشمن دیرینه، وارد میدان شده با عوام فریبی و تحمیق توده های میلیونی آن کشور ها، حاکمیت شان را استمرار ببخشند.

خوانندگان گرامی!

با مطالعه این مختصر، شاید این سؤال برایتان به وجود آمده باشد که بدانید سرانجام نقش نظام ملاسالار در زمینه چیست. با شناختی که من از ملا و طالب و چلی دارم، در مورد آنها ضرب المثل "دنیا را آب بگیرد، مرغابی را را تا بند پایش است" صدق می نماید. یعنی آنها ضمن آن که با زیرکی تمام خود در مورد چیزی نگفته و صرف با تکیه بر این مقوله "شه کوه بد مکوه" قناعت نموده اند، به صورت غیر مستقیم آنهم از زبان ظاهراً یک تن از افراد جدا و رانده شدن از خودشان، مگر در واقع "منتظر الامارة" های طالب، یعنی ملا "عبدالسلام ضعیف" پشتونها را مخاطب قرار داده اعلام داشتند، که جنگ بین هند و پاکستان، "جهاد" نیست و نباید فرزندان شان را به کشتن بدهند. خوانندگان گرامی!

تشدید این درگیری که هیچ ربطی به منافع خلقهای دوکشور ندارد و فقط تقابلی است خونین بین دو نماینده استعمار جهت تثبیت موقعیت خودشان، تا جایی که دیده می شود خلاف چین، روسیه و پاکستان که خواستار ادامه درگیری اما قابل کنترل اند، مگر از جانب امریکا و غرب به ویژه سگ هار آنها اسرائیل تلاش می گردد تا تشدید یابد، در هیچ صورتی نمی تواند هیچ منفعتی برای بیش از یک میلیارد و ۸۰۰ میلیون نفوسی که به صورت مستقیم از آن متأثر خواهند شد، به بار بیاورد، خلق ما و کشور ما نیز در جمع همین تعداد قرار دارد.